



هر که او آگاهتر، جانش فزون

یکشنبه ۱ دی ۱۳۹۸ - ۲۵ ربیع‌الثانی ۱۴۴۱ - شماره ۶۸۰۳

<b>گاه روز</b>	
اذان صبح	۰۵:۲۷
طلوع آفتاب	۰۶:۵۱
اذان ظهر	۱۱:۵۸
اذان مغرب	۱۷:۲۴

امروز

۱ ☀ ۱۳ ▲

صاف و غبارمحلّی گاهی وزش باد

روزنامه سیاسی - اقتصادی - اجتماعی - فرهنگی و ورزشی صبح ایران

صاحب امتیاز و مد یر مسئول: محمد علی

سردبیر: اسماعیل علی

ISSN: 1557- 2008

ر تبه: ۴۳

تلفن سرویستی‌های عصر مردم:

اصفهان ۰۹۱۳۹۱۴۷۷۲۲-۰۹۱۳۹۱

کوهان‌شاه ۰۹۱۸۱۳۱۱۴۸۸- کیبودی

بوشهر -۰۹۱۷۷۷۳۳۳۰۰- رشتمی

خوزستان ۰۹۲۳۲۹۰۴۸۷۲- هلالی

نشانی: شیراز - قنرذ شت - چهارراه ملاصدرا - نبش کوچه ۳۳ - ساختمان روزنامه عصر مردم

تلفن: ۳۸-۳۲۲۰۳۲۷-۳۲۲۰۳۲۸-نمابر:۳۲۳۰۳۸۳۰-تلفن سازمان آگهی‌ها:۱-۰۲۳۲۴۱۰۰۰

لینوگرافی و چاپ: روزنامه عصر مردم م - تلفن:۰۲۳۲۵۹۶۱۰

WEB: Asremardom.com

Email Address: asr.e.mardom@gmail.com asremardom

خداوند، رسول خود را تربیت کرد و فرمود: ای محمد! («**عفو را بگیر و به کار پسندیده فرمان ده و از نادانان، رخ برتاب**»). [ خدا در این آیه ]فرمود: از ایشان آنچه آشکار و میسر است، بگیر. («**عفو**) یعنی حدّ وسط.

امام صادق (ع)

## دغدغ‌های سجاد افشاریان از شفاف نبودن مسیر تئاتر تا حمایت از جوانان

و سریع هم به اجرا برسند.

او افزود: بخش زیادی از این سختی‌ها از این سختی‌ها به مدیریت دولتی برمی‌گردد؛ یک روز به من گفتند چرا تبلیغات نمایشت را به شبکه‌های ماهواره‌ای دادی و من فقط در جواب گفتمت اگر شما یک برد در اختیار گروه‌ها می‌گذاشتید تا پوست‌ها را روی آن بچسبانیم این کار انجام نمی‌شد ولی وقتی هیچ امکانی را فراهم نمی‌کنید که گروه‌ها دیده شوند، یک سرویس‌دهی تبلیغاتی وجود ندارد، تلویزیون باکس تبلیغی برای تئاتر پخش نمی‌کند یا در سطح شهر سازهایی برای تبلیغات نیست و حتی مجموعه‌های زیر نظر وزارت ارشاد صاحب سازهایی برای تبلیغ نیستند پس باید چکار کرد؟ در بهترین حالت همه چیز به فضای مجازی می‌رسد که آن جا هم جوانان تازه کار قدرتی ندارند.

افشاریان در پاسخ به اینکه با توجه به انتقادش از حمایت نکردن دولت و اینکه به نظر می‌رسد بیشترین بخش بودجه سالانه تئاتر صرف برگزاری جشنواره‌ها می‌شود و آیا معتقد است باید این هزینه‌ها بیشتر برای گروه‌ها خرج شوند یا جشنواره‌ها؟ گفت: از جزئیات خرج‌های جشنواره‌ای اطلاع ندارم هرچند معمولاً گروه‌هایی که در جشنواره شرکت می‌کنند نهایتاً ۱۰ میلیون تومان کمک هزینه می‌گیرند که اصلاً رقم جیبی هم نیست ولی مسئله این جاست که ما حتی نمی‌دانیم بودجه تئاتر در کجا هزینه می‌شود تا و به حال حتی یک بار با بیان‌های واقعی یا غیرواقعی روبرو نشویم چون اصلاً چنین ساز و کاری نداریم. من ۱۷ سال است که در تئاتر این مملکت به عنوان بازیگر، نویسنده، کارگردان، طراح و تهیه کننده فعالیت کردام و در همه این سال‌ها هیچ وقت مسیری‌ها را مدون سازی نکرده‌ایم که وقتی مدیران تغییر می‌کنند بلدانم یک چارچوبی بنا شده و لازم نیست همه چیز را از اول دوباره اختراع کنیم.

او خاطرنشان کرد: اختراع‌های دوباره همیشه پر از آزمون و خطاست در حالی که اگر ساز و کار مناسب وجود داشت دانشگاه‌ها هم می‌دانستند بعد از اینکه درسشان تمام شد و کاری را با کیفیت مناسب آماده کردند لاقلاً یک بار حق اجرا دارند و می‌دانند که در چه مسیری قرار دارند، اما آن‌ا هیچ مسیر شفاف‌ی وجود ندارد و نمونه‌اش همین بی‌اطلاعی از محل صرف بودجه سالانه تئاتر است،به همین دلیل از آنجا که آگاهی پیدا نمی‌کنیم، راه به جایی نمی‌بریم و حتی مشورت و پیشنهادی هم نمی‌توانیم داشته باشیم.



در اورید. وقتی وارد این مرحله شدیم دیگر برای مدیران سالن‌ها خیلی اهمیتی نداشت که محتوی کارها چیست و همه را در مواجهه‌ای قرار دادند که آیا این نمایش‌ها به فروشی دست پیدا می‌کند یا خیر، به طوری که هم مخاطب و هم تولید کننده تئاتر وقتی از سالن بیرون می‌آیند به جای اینکه در مورد بازیگری، کیفیت، کارگردانی، طراحی و اتفاقات خلاقانه نمایش حرف بزنند سوال اولشان این است که تماشاگر دوست‌است؟ سالن پر بود؟ وی گفت: این دغدغه تماشاگر نمایشگر، آدم‌ها را به اشتباه‌های زیادی وادار کرد چون همانطور که مدیران تماشاخانه‌ها به جای اینکه برای شروع یک کاری برسند متن چیست، اول از گروه بازگراگن سوال می‌کنند، سبب شدند تئاتر متفکر، تئاتر انتزاعی و دغدغه‌مند ما ضعیف‌تر شود.در این میان ما هم همگی دست به دست هم داده و ایستادیم و فقط نظاره‌گریم. تمام اینها هم به این دلیل اتفاق افتاد که مسیر تعریف تئاتر برای عموم مردم، توسط خود تولیدکنندگان تئاتر تغییر داده شد و تئاتری که مخاطبش باید می‌آمد و یا یک هنر بی‌واسطه مواجه می‌شد به آن فکر می‌کرد، چنان به سطح آمد که به حد دفاع یک عکس گرفتن با هنرمندان رسیده است. افشاریان بیان کرد: وضعیت طوری شده که به دلیل همین رهاشدگی و عدم حمایت مالی، حتی گروه‌های حرفه‌ای نیز زمانی برای تولید یک نمایش ندارند و کمتر نمایشی را می‌توان پیدا کرد که بیشتر از دو ماه تمرین داشته باشد. همه درگیر یک تولیدی شده‌اند که سریع تمرین کنند

را این‌جا و کلمه‌ای را آن‌جا عوض کرده. در بی قانونی همیشه انواع کلاهبرداری‌ها مجال می‌یابند. باید دنبال قانونمند کردن بیود و ناظرانی بر جریان گماشت که فسادخیز است این روزگار.

باید نهادهای صنفی مستقل و سالم داشته. خیلی وقت‌ها آن‌ها که باید حواس‌شان به این بی قانونی‌ها و لگدمال شدن حقوق آدم‌ها باشد، مراقب اند میادا خواننده چشم و گوش بسته‌ای از راه به در شود. گاهی هم البته از ترجمه اثری سال‌ها می‌گذرد، به خصوص آثار کلاسیک، و با توجه به زنده بودن زبان و تحولات آن شاید ضرورت باید که مجدداً ترجمه شود. اما این هم شرطی است که ترجمه مجدد قابل دفاع و قابل توجیه باشد. یعنی با دیدن حاصلش آدم بگوید که چه چیز برای خوانندگان این نسل دوباره ترجمه شد. خیلی وقت‌ها این‌طور نیست، خیلی وقت‌ها هم کتاب‌هایی قدیمی و ارزشمند هستند که سالیان سال است تجدید چاپ نمی‌شوند و به ویژه ناشرانی که نشرهایی را تصاحب کرده‌اند و بر میراثی نشسته‌اند به دلایل عقیدتی سر باز می‌زنند از تجدید چاپ‌شان، کتاب‌ها را جیس می‌کنند. بگذریم که کرور کرور کتاب‌های این چنینی کنار خیابان‌ها قاچاقی و به ثمن بخش به فروش می‌رسد. خریدار هم که عمدتاً کاری به این کارها ندارد. فقط وقتی کتابی می‌بیند که قانوناً چاپ شده، کلی خرچش شده و کلی آدم برای تدارک و انتشار آن زحمت کشیده‌اند و از این راه معاش‌شان را تأمین می‌کنند، داد و فغانش از قیمت کتاب به عرش می‌رسند. فشار گرانی را در خرچ‌های دیگری که می‌کند راحت می‌پذیرد و با یاد می‌برد که اگر ماست و پنیر گران شده، کاغذ و زینک و... هم چندبیار شده است.

**نیست آثار جاپزده‌های ادبی جهان و لیست پنج پرفروش‌ کشورها چقدر می‌تواند معیار خوبی برای انتخاب کتاب توسط مترجم‌ها باشد؟**

معیار من هرگز نبوده است. نه این‌که از سر کنجکوی نخوانم‌شان. اما هرگز تمایلی به شرکت در این مسابقه برای ترجمه-شان نداشته‌ام. خیلی وقت‌ها هم آنها را خوانده‌ام و دوست‌شان نداشته‌ام یا رسیده‌ام به جاهایی که دیدم نام نمی‌شود صحیح و سالم ترجمه شان کرد. به هرحال راهنمایی خوبی برای دستمای‌ای از مترجمان است. اما چون معمولاً آنها که چشم دوخته‌اند به لیست پرفروش‌ها، که خیلی وقت‌ها کتاب‌های بی‌ارزش هم جزوشان است (به نظر من البته)، در شتاب‌زده و گاه چندنفری برای اول شدن در این مسابقه سرونه ترجمه را هم می‌آورند و اگر هم کتاب ارزشمندی جزوشان باشد، یک جورهایی کتاب را می‌کشند. البته اگر وقت کافی هم نداشته‌اند و می‌گذاشتند، بعید می‌دانم کاری درست و خوبی‌خوندی از عهده‌شان ساخته بود.

## گفت‌وگو با فرزانه طاهری کلاهدراری، حبس و گشتن کتاب

چندان در بند این نیستند که ترجمه دقیق باشد یا درست یا زبان فارسی‌اش به‌فراقد. یا این‌که سبک نویسنده چه بوده و قرار است. آن ترجمه‌ها هم هرگز از دایره چندتاییی شاید فرنگی علاقه‌مند و کارشناس بیرون نمی‌رود. این رفتار عجیب‌تر هم می‌نماید چرا که خود در آن کشورها یا از دایره قانون بیرون نمی‌گذارند و حقوق همه آن طرفی‌ها را رعایت می‌کنند، یعنی مجبورند رعایت کنند، اما هموطنان عزیز داخل کشورشان دست‌شان به جایی بند نیست، پس می‌تازانند و رُست خدمات



فرهنگی به میهن عزیز می‌گیرند و سر صاحب اثر منت هم می‌گذارند. اما نکته مهم دیگر هم این است که ادبیات داستانی از آثار الکن شده‌اند و چیزهایی از زندگی به رمان‌ها و داستان‌ها راه نمی‌یابند، یا چیزهایی از محیط‌ما، آسیب‌های بیگانگان باشند. نمی‌دانم، پاسخ دقیق به این مسئله تحقیقات جدی لازم دارد.

در مورد آثار کلاسیک هم هنوز که هنوز است به گمانم مثالی که می‌خوانند بزنند مولوی و نیکلسن است و نسخه پاپ آدم را می‌سوزانند. خیلی از هموطنانمان از دهه‌ها پیش برای گرفتن کمک هزینه از دولت‌های میزبان‌شان نشر و مرکزی فرهنگی هم راه انداخته‌اند. بعضی‌ها همسفر خارجی‌شان می‌نشینند و کار را ترجمه می‌کنند بی آن‌که در خیلی از مواقع بتوانند کار را به زبان مادری‌شان هم درست بفهمند یا اصلاً از ظرایف ترجمه ادبی باخبر باشند.

بعد هم متأسفانه در این‌جا صاحبان آثار به عوض این‌که آن‌ها را ترجمه کنند که حقوق‌شان، چه حقوق معنوی مثل کیفیت ترجمه، و چه مادی زیر پا گذاشته

فرزانه طاهری با بررسی وضعیت ترجمه

آثار ایرانی، همچنین از ناشرانی می‌گوید که کتاب‌ها را حبس می‌کنند و مترجمانی که کلاهبرداری می‌کنند یا کتاب‌ها را می‌کشند. این مترجم درحالی‌ذ وضعیت ترجمه آثار ادبی به زبان‌های دیگر می‌گوید که معتقد است عدل‌ای از این ترجمه‌ها توسط کسانی انجام می‌شود که با همسر خارجی‌شان می‌نشینند و کار را ترجمه می‌کنند بی آن‌که در خیلی از مواقع بتوانند کار را به زبان مادری‌شان هم درست بفهمند یا اصلاً از ظرایف ترجمه ادبی باخبر باشند. او همچنین از برخی مترجم‌ها که نویسنده را در چرخ گوشت می‌ریزند می‌گوید.

متن گفت‌وگوی مکتوب فرزانه طاهری با ایسنا در پی می‌آید.

**وضعیت ترجمه آثار ادبی کلاسیک و معاصر فارسی به زبان‌های دیگر در سال‌های اخیر چطور بوده است؟ و به نظر شما در ایسن زمینه چه خلأهایی دیده می‌شود؟**

راستش تا جایی که من اطلاع دارم، که البته چندان هم زیاد نیست، چندان تغییری نمی‌بینم. وضع کمی از لحاظ ترجمه برخی از آثار معاصر به زبان‌های دیگر به دلیل دقت معهود ناشران حرفه‌ای در رعایت کلیه موازین و قانع نبودن به نشرهای حاشیه‌ای یا «دانشگاهی» که وارد جریان اصلی نشر کشور مقصد نمی‌شوند، و نیز امکان ارزیابی ترجمه، بهتر شده است. اما شمارشان اندک است. هنوز هم به‌خصوص هموطنان‌مان آن طرف‌آب گمان می‌کنند که چون زبان خارجی را به دلیل زندگی در آن طرف بلدند همین کافی است برای ترجمه ادبیات دست به کار شوند، از گزینن قریب به اتفاق مواقع بدون کسب اجازه از صاحب اثر یا در مواردی مثل ما، وراثت نویسنده قبل از شروع به کار، چه رسد به بستن قرارداد و رعایت حقوق مادی و معنوی نویسنده.

وقتی کار تمام شد خبری می‌دهند. در این‌باره چون قصد دارم مطلبی بنویسم این‌جا زیاد نمی‌گویم. سال‌های سال است شاهد این روند بادم. ترجمه‌های بد و غیرحرفه‌ای که حتی یک ویراستار ادبی حرفه‌ای که زبان مادری‌اش همان زبان مقصد باشد آنها را نمی‌بیند، و این نقلی که لطفی به ادبیات ایران می‌کند و دل آدم را می‌سوزاند. خیلی از هموطنان‌مان از دهه‌ها پیش برای گرفتن کمک هزینه از دولت‌های میزبان‌شان نشر و مرکزی فرهنگی هم راه انداخته‌اند. بعضی‌ها همسفر خارجی‌شان می‌نشینند و کار را ترجمه می‌کنند بی آن‌که در خیلی از مواقع بتوانند کار را به زبان مادری‌شان هم درست بفهمند یا اصلاً از ظرایف ترجمه ادبی باخبر باشند.

بعد هم متأسفانه در این‌جا صاحبان آثار به عوض این‌که آن‌ها را ترجمه کنند که حقوق‌شان، چه حقوق معنوی مثل کیفیت ترجمه، و چه مادی زیر پا گذاشته

### مارتین اسکورسیزی: سینما یک بار مصرف شده است

مارتین اسکورسیزی در مصاحبه‌ای جدید در باره این صحبت کرد که چگونه با همراهی نیروی یک فیلم حماسی گانگستری را خلق کردنی و چگونه تفلیکس موجب تغییر سینما شد.

به گزارش خبرگزاری مهر

به نقل از گاردین، مارتین اسکورسیزی در حالی با گاردین به مصاحبه نشست که فیلمش «برلندی» از سوی منتقدان این نشریه به عنوان بهترین فیلم سال انتخاب شد.

وی در این گفتگو در باره ارتباط عمیق فیلمش با مخاطبان، پیش از همه از تفلیکس و حمایت مالی آن از فیلم تشکر کرد و گفت: شاید مردم فکر کنند که چند تا رفیق با هم جمع شده‌اند و کاری را که دوست داشته‌اند انجام داده‌اند، اما این‌طوری نیست. وی عنوان کرد: همه ما در پایان زندگی‌مان هستیم و داریم بهترین کارهایمان را ارائه می‌کنیم و اگر مردم از آن خوششان بیاید عالی است.

این کارگردان به گذشته‌های دور هم گریزی زد و از زمانی گفت که بزرگ می‌شد و تنها یک سال برای تماشای فیلم وجود داشت و بعد تلویزیون‌های کوچک ۱۲ یا ۱۶ اینچی سیاه و سفید از راه رسیدند و آنجا توانست اولین فیلم‌های دیوید لین را ببیند و یا فیلم‌هایی مثل «مرد سوم» و «همشهری کین» را.

وی همچنین به ساخت فیلم «برلندی» در دوران ترامپ اشاره کرد و گفت که این نخستین باری نیست که فساد در دولت این مملکت دیده شده اما حالا بسیار شاخص شده و همین از عواملی بود تا او را به ساخت این فیلم ترغیب کرد تا نشان دهد سیاست گنگستری چگونه می‌تواند در دولت هم رسوخ کند. اسکورسیزی همچنین دوباره در باره فیلم‌های ابرقهرمانی صحبت کرد و گفت از مارول و فیلم‌های ابرقهرمانی‌اش زیاد صحبت شده است. فیلم‌هایی که آدم‌ها در آن پیروز می‌کنند و مدام در حال زد و خورد هستند، اگر مایل باشید تماشایشان کنید، اشکالی ندارد اما جایی برای تماشای فیلم‌های دیگر باقی نمانده است.

وی افزود: نمی‌دانم چند فیلم دیگر بتوانم بسازم. شاید همین «برلندی» آخرین‌شان باشد. بنابراین دلم می‌خواست فیلمی بسازم تا یک روز در نیویورک یا در سینما تک پاریس نمایش داده شود.

وی یادآور شد: اگر ۱۲ سالن سینما داشته باشید ۱۱ تایی آنها در تصرف فیلم‌های ابرقهرمانی است. آیا باید همه سالن‌ها در اختیار این فیلم‌ها باشد؟ این مستخرهاست که فیلم‌هایی مثل «لیدی برد» و «یادگار» جایی برای ارکان نداشته باشند. آنها ممکن است از نظر تجاری خیلی بزرگ نباشند اما فیلم‌هایی هستند که می‌توانند مخاطب زیاد هم داشته باشند. اگر یک فیلم تجاری است دولتی ندارد که نتواند هنری باشد. چیزی که نظر این روزها محسوب می‌شود، تولید یک نوع محصول است. محصولی یک بار مصرف که بعد دور انداخته می‌شود. اما فیلمی تجاری مثل «آواز زیر باران» را می‌شود بارها و بارها تماشا کرد بنابراین سوالی که مطرح می‌شود این است که چگونه می‌توانیم از فرم هنری محافظت کنیم؟

وی تصریح کرد: امروز دیگر نمی‌شود «هوانورد» را ساخت. نمی‌شود «شاترایلند» را ساخت. حتی وقتی من و لئو (دی‌کاپریو) داشتیم «رفتان» را می‌ساختیم این قدرت بازیگر فیلم بود که ساخت آن را ممکن ساخت. ما همان موقع متوجه شدیم که درها دارند بسته می‌شوند. اگر ناگهی به سالن‌های سینما در یک خیابان بیننازید می‌بینید ۱۰ سالن دارند یک فیلم را نشان می‌دهند. وی همچنین از این یاد کرد که فیلمی مثل «سلطان کمند» تنها یک هفته در آمریکا ارکان شد و ۱۰ سال سعی کردند ناپداهش بگیرند.

### کیشه ۲۰۱۹ سینما؛ سالی که رکوردها شکست



سال ۲۰۱۹ یکی از موفق‌ترین سال‌ها بود که رکیشه سینما پرفروش‌ترین فیلم انیمیشن تاریخ سینما و ثبت چندین رکورد دیگر همراه بود. به گزارش ایسنا، امسال چندپن‌رسم قسمت از سری فیلمی «انتقام جویان» با نام کامل «انتقام جویان: آخر بازی» توانست با فروش ۲٫۷۹۷ میلیارد دلاری و پایان دادن به سلطه چند ساله و ۲٫۷۸۹ میلیارد دلاری «آواتار»، در صدر فهرست پرفروش‌ترین فیلم‌های تاریخ سینما قرار بگیرد. «انتقام جویان: آخر بازی» دنباله «انتقام‌جویان: جنگ ابدیت» (۲۰۱۸) و همچنین «انتقام‌جویان» (۲۰۱۲) و «انتقام‌جویان: عصر اولتران» (۲۰۱۵) است و بیست و دومین فیلم در دنیای سینمایی مارول است که برادران «روسو» آن را با فیلم‌نامه‌ای مشترک از «کریستوفر مارکوس» و «استون مک‌فیلی» کارگردانی کردند.

فیلم-انیمیشن «شیرشاه» که بر اساس انیمیشن کلاسیک کمپانی دیزنی ساخته شده هم توانست با فروش ۱٫۶۵۶ میلیارد دلاری، نه تنها پس از «انتقام جویان: آخر بازی» در رتبه دوم پرفروش‌ترین فیلم‌های سال ۲۰۱۹ قرار گیرد بلکه با گذر از «تمجمد» (۱٫۲۹ میلیارد دلار) و بالاتر از «شگفت‌انگیزان ۲» (۱٫۲۳۲ میلیون دلار)، «میتون‌ها» (۱٫۱۵۹ میلیارد دلار)، «داستان اسباب‌بازی ۴» (۱۰۰۷۳ میلیارد دلار)، «داستان اسباب‌بازی ۳» (۱۰۰۶۶ میلیارد دلار)، «تمجمد ۲» (۱۰۰۲۱ میلیارد دلار)، «هن نفرات‌انگیز ۳» (۱۰۰۳۴ میلیارد دلار)، «در جست‌وجوی تری» (۱۰۰۲۸ میلیارد دلار)، «زوتوپیا» (۱۰۰۲۳ میلیارد دلار)، در رتبه نخست پرفروش‌ترین انیمیشن‌های تاریخ سینما قرار دارد. «داستان اسباب‌بازی ۴» و «منجمد ۲» هم‌اکنون در رتبه پنجم و هفتم پرفروش‌ترین انیمیشن‌های تاریخ سینما قرار دارند.

**دیگر رکوردهایی که در سال ۲۰۱۹ جا به جا شد:**
\* دنیای سینمایی مارول پس از ارکان فیلم «کاپیتان مارول» به اولین سری فیلم با مجموع فروش جهانی ۲۲ میلیارد دلار تبدیل شد. همچنین این اولین مجموعه فیلمی است که ۹ قسمت از آن شامل «کاپیتان مارول»، «سه فیلم «انتقام جویان»، «مرد آهنین ۳»، «کاپیتان آمریکا: جنگ داخلی»، «هلک سیاه» و به همراه «انتقام جویان: آخر بازی» و «مرد عنکبوتی: دور از خانه» به فروشی بالغ بر یک میلیارد دلار دست می‌یابند.

\* سینمای چین توانست رکورد فروش ماهانه سینمای جهان را در ماه فوریه با ۱٫۶۳ میلیارد دلار آرتباه بخشد، رکوردی که در فوریه سال گذشته آن برای اولین بار توسط سینمای چین شکسته بود.
\* استودیو والت دیزنی به اولین کمپانی فیلمسازی تاریخ تبدیل شده که فروش سالانه محصولاتی در گیشه جهانی از ۱۰ میلیارد دلار عبور کرد. دیزنی همچنین اولین کمپانی است که ۶ فیلمش در یک سال به فروش میلیارد دلاری دست یافته‌اند.

سونی تبدیل شد.
\* با فروش ۱۰۰۷۳ میلیارد دلاری «داستان اسباب‌بازی ۴»، استودیو پیکسار دیزنی اولین استودیو انیمیشن‌سازی نام گرفت که چهار محصولش شامل «قسمت سوم و چهارم «داستان اسباب بازی»، «در جستجوی دوری» و «شگفت‌انگیزان ۲»، هر کدام به فروشی بالغ بر یک میلیارد دلار دست یافته‌اند.

\* فیلم لبنانی «کفرناحوم» به کارگردانی «تادین لبکی» با فروش جهانی بیش از ۵۰ میلیون دلار، به پرفروش‌ترین فیلم سینمای خاورمیانه تبدیل شد.
\* «جوکر» به کارگردانی «تاد فیلیپس» اولین با درجه سنی بزرگسال نام گرفت که به فروش جهانی بالغ بر یکی میلیارد دلار دست می‌یابد.

در سال ۲۰۱۹ میلادی، برای اولین ۸ فیلم به فروش میلیارد دلاری دست یافتند و رکورد سال‌های ۲۰۱۵ و ۲۰۱۸ شکسته شد که با اکران ۵ فیلم میلیارد دلاری همراه بود.